

شناسایی چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه ایران (سالهای 85 - 1375)

ابراهیم میانجی^۱

چکیده:

مقاله‌ای که از نظر می‌گذرد با هدف و ضرورت شناسایی چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه‌ی ایران (سال‌های 1385 - 1375) که پیش‌نیاز تعلیمات عالی و فراهم‌ساز وظیفه‌ی توسعه و پیشرفت میراث علمی - فرهنگی جامعه دانشگاهی است حول دو گروه: الف) فرضیه‌های مربوط به متغیرهای عوامل انسانی شامل: بی‌ثباتی مدیریت - کمبود متخصص برنامه‌ریزی آموزشی - افزایش تقاضای اجتماعی آموزش - ناهماهنگی اداری و اجرائی - سیاست‌گذاری‌های متمرکز دولت - عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف - عدم دسترسی برنامه‌ریزان به اطلاعات مورد نیاز. ب) فرضیه‌های مربوط به متغیرهای عوامل غیرانسانی شامل: زمانبندی نامناسب برنامه‌ها - بودجه‌بندی نامناسب برنامه‌ها - فضا و امکانات نامناسب آموزشی انجام شد.

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که از لحاظ هدف تحقیقی کاربردی است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است.

جامعه آماری پژوهش را کلیه‌ی رؤسا - برنامه‌ریزان و دبیران وزارت آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌های کشور (با درجه دکتری) ترجیحاً با رشته‌ی علوم تربیتی و با حداقل 20 سال سابقه‌ی کار به تعداد تقریبی 12800 نفر تشکیل می‌دهند که تعداد 90 نفر به میزان 0/7 درصد کل جامعه آماری با 30 نفر در هر گروه تشکیل داده‌اند.

^۱ عضو هیات علمی مربی آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان EMianji@yahoo.com

شناسایی چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش...
نمونه گیری در این پژوهش به روش دلفی " Delphi –Method " و به طور
غیرتصادفی از استان‌های تهران - مازندران - گلستان - خراسان شمالی و رضوی
انتخاب گردید.

برای تعیین روایی پرسشنامه از طریق روش آلفای کرانباخ بررسی و به مقدار
0/96 محاسبه گردید. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم افزار S. P. S. S و
روش‌های آمار توصیفی و آزمون کای اسکوئیر² و احتمال معنی داری Value -
P تجزیه تحلیل شد.
یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مجموع متغیرهای مستقل با متغیر
وابسته همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

کلید واژه ها :

آموزش متوسطه - برنامه ریزی آموزشی - چالش‌ها - بی ثباتی مدیریت..

مقدمه :

در کشور ما فراگیرترین نهادی که به امر آموزش و تقویت نیروی
انسانی می‌پردازد وزارت آموزش و پرورش است. که حدوداً 15 میلیون نفر یا
نزدیک به یک چهارم الی یک پنجم جمعیت کشور را تحت پوشش خود قرار
داده است. این در حالیست که تقریباً 4117000 نفر آنان در مقطع متوسطه
مشغول به تحصیل می‌باشند. (سازمان دانش آموزی وزارت آموزش و
پرورش)

این مقطع تحصیلی ضمن جمعیت نسبتاً بالای دانش‌آموزی از جهات
دیگر نیز با اهمیت می‌باشد نخست : آموزش متوسطه یکی از حلقه‌های ارتباطی
و انتقالی آموزش مقدماتی (ابتدایی و راهنمایی تحصیلی) به آموزش عالی
است. سپس؛ منبع اصلی و پیش نیاز پرورش نیروی انسانی ماهر و مورد نیاز
بازار کار است. (موسی پور. صص 61-60)

از این رو؛ می‌توان گفت برنامه‌ریزی آموزش متوسطه نیاز و مسئله‌ای عمومی و عالی است.

فرضیه‌های تحقیق عبارتند از:

- به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری‌های متمرکز دولت در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد بی‌ثباتی مدیریتی‌های سازمانی در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد کمبود نیروی انسانی متخصص در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد افزایش تقاضای اجتماعی آموزش در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد عدم هماهنگی‌های اداری-اجرایی سازمان آموزش و پرورش در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد عدم ارزشیابی‌های علمی اهداف در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد عدم دسترسی برنامه‌ریزان آموزشی به اطلاعات واقعی در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد زمانبندی غیر واقعی برنامه‌ها در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد بودجه بندی نامناسب برنامه‌ها در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد.
- به نظر می‌رسد فضا و امکانات نامناسب آموزشی در به چالش درآوردن نظام برنامه‌ریزی آموزش متوسطه کشور مؤثر باشد

صارمی، امین (1376) در مقاله ای با عنوان "چالش‌های اساسی برنامه‌ریزی در ایران" با مروری بر سابقه برنامه ریزی در ایران به موانعی چند اشاره می‌نماید از جمله :

الف : دیوانسالاری اداری و تشکیلات اجرایی گسترده :

ب : تغییر سیاست‌های اقتصادی نظیر؛ گرایش به تعدیل (آزاد سازی) و دولتی کردن، وابستگی کامل به درآمدهای نفتی و افزایش یا کاهش یکباره درآمدها.

- نفیسی، عبدالحسین (1380) در مقاله ای تحت عنوان "بازنگری تجربه برنامه ریزی توسعه و آموزش و پرورش در ایران، فنون و شیوه‌های برنامه ریزی تجربه سالهای 1378 - 1327" چالش‌های نظام برنامه‌ریزی آموزشی را تحت چهار عنوان طبقه بندی شده زیر بیان می‌نماید.

الف : برنامه ریزی فنی در برابر برنامه ریزی سیاسی.

ب : برنامه ریزی از بالا به پایین در مقابل برنامه‌ریزی از پایین به بالا.

ج : الگوی اقتصادی که مبنای برنامه‌ریزی آموزشی قرار می‌گیرد.

د : برنامه ریزی برای اصلاحات عمده آموزشی در مقابل برنامه‌ریزی برای حفظ نظام آموزشی.

- باستانی، هاله (1380) در گفتگویی تحت عنوان " نظام آموزشی و نارسایی‌های برنامه‌ریزی" با مرتضی خلخالی کارشناس برنامه‌ریزی و مولف کتاب‌های درسی به مسأله اصلی ناکارآمدی نظام آموزشی که نبود کارشناس برنامه ریز دروس تخصصی در سطح وسیع می‌باشد، اشاره می‌نماید. همچنین به نبود یک نهاد متولی و سیاست گذار علمی هماهنگ کننده برای تمامی مولفه‌های نظام برنامه ریزی در کشور به عنوان گوشه‌ای دیگر از کمبود و عدم متخصصین برنامه ریزی آموزشی و درسی اشاره می‌پردازد.

- رحمانی، موسی الرضا، (1382) در مقاله‌ای تحت عنوان "چالش‌های

فرا روی آموزش و پرورش" آورده است که مهم‌ترین چالش فرا روی نظام آموزشی برای رسیدن به وضعیتی که بتواند شاخص‌ها و مولفه‌های نظام

ارزشیابی آموزش و پرورش را محقق کرده و به آنها جامعه عمل پیوشاند، توجه به شرایط بحرانی معلمان در کشور است.

- مهر علیزاده، یدالله (1380) در مقاله ای تحت عنوان "جهانی شدن و پیامدهای آن بر برنامه ریزی در دانشگاه ایران" می نویسد پدیده جهانی شدن، تجسم جغرافیایی است که در آن دسترسی به بازارهای مختلف تولید و بهره گیری از دانش و توسعه فناوری و تربیت منابع انسانی اهمیت می یابند.

- حاجی آقالو، عباس (1381) در مقاله ای تحت عنوان "کانون بحران تعلیم و تربیت کشور در برنامه ریزی درسی است" می گوید تا زمانی که سهم آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی تنها 3/67٪ باشد امیدی به پیشرفت نیست. از نظر وی کانون بحران دروس عمومی، عدم برنامه ریز ماهر و متخصص می باشد.

- قریب، فرامرز (1381) در مقاله ای تحت عنوان "سیستم پرورش و آموزش: اصلاحات - برنامه ریزی و استقلال" می گوید: کمبود بودجه به علت کثرت مستخدمان نا کارآمدی نظام آموزشی و نا امنی اجتماعی را فراهم می آورد و این عدم تخصص افراد ناشی از ناهنجاری موجود در امر آموزش کلاسیک و عدم هدایت تحصیلی مناسب است.

- سهمی، جواد (1381) در مقاله ای تحت عنوان "بودجه ریزی در ایران (مسائل و چالش ها)" می نویسد، فرایند تهیه، تصویب و اجرای بودجه فاقد جامعیت اطلاعاتی و شفافیت تصمیمات اجرایی است و روشهای اداری معمول در فرایند بودجه ریزی کار ساز نیست و حاکمیت بروکراسی دولتی و ناتوانی مدیریت های بودجه ای بیش از پیش بر مسائل اصلاح ساختار نظام بودجه ریزی می افزاید.

- یار محمدزاده، پیمان و همکاران (1386-1385) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی رابطه بین مدیریت زمان و عملکرد مدیران مدارس متوسطه کرمان" نگرش 86 مدیر و 256 دبیر پیرامون مدیریت زمان را به عنوان یکی از بحث برانگیزترین فاکتورهای برنامه ریزی در آموزش مورد بررسی قرار داده

شناسایی چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش... .

اند نتایج نشان می دهد که بین مدیریت زمان و عملکرد مدیران متوسطه در ابعاد آموزشی و پرورشی همبستگی معناداری وجود ندارد.

اهداف تحقیق : هدف کلی و اصلی این تحقیق شناسایی چالش های نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه کشور و در حقیقت کسب اطلاع از علل و عواملی است که موجب توجه بیشتر و بهتر به فرآیند برنامه ریزی آموزش متوسطه جامعه می شود. و اهداف ویژه ای حول فرضیات تحقیق به قرار ذیل انتظار می رود :

-شناخت تاثیر بی ثباتی مدیریت سازمانی در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت نقش کمبود نیروی انسانی متخصص برنامه ریزی در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت نقش و تاثیر افزایش میزان تقاضای اجتماعی آموزش در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت تاثیر ناهماهنگی های اداری - اجرائی سازمان آموزش و پرورش در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت تاثیر سیاست گذاری های متمرکز دولت در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت تاثیر عدم ارزشیابی علمی اهداف در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت تاثیر عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت نقش و تاثیر زمانبندی نامناسب برنامه ها در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

-شناخت نقش و تاثیر بودجه بندی نامناسب در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

10- شناخت تاثیر فضا و امکانات نامناسب آموزشی در نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه.

در باب روش تحقیق نیز می توان گفت این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است که از لحاظ هدف تحقیقی کاربردی محسوب می گردد که با روش پژوهش پیمایشی اجرا گردیده است.

روش:

در این پژوهش سعی گردید آمار و اطلاعات دست اول از میدان مطالعه به دست آید. برای گرد آوری داده‌های آماری از سه روش زیر استفاده گردید:
الف: مصاحبه با حدود تقریبی 60 درصد آزمودنی‌ها. (بالاخص همکاران دانشگاهی و دبیران آموزش و پرورش)
ب: روش تکمیل پرسشنامه.

ج: روش‌های معتبر آماری با پرسشنامه مذکور حاوی سئوالات مشخصات فردی (جنسیت - تحصیلات - و پست سازمانی) و چالش‌های احتمالی نظام برنامه ریزی آموزش متوسطه است جهت اجرا آماده تایپ، تکثیر و توزیع گردید.

جامعه آماری این پژوهش را گروه‌های روسا و برنامه‌ریزان ادارات آموزش و پرورش - دبیران آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه‌های کشور (با درجه دکتری) ترجیحاً رشته علوم تربیتی با گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و حداقل 20 سال سابقه کار به تعداد تقریبی 12 800 نفر تشکیل می‌دهد. (معاونت نیروی انسانی وزارت آموزش و پرورش)

تعداد 90 نمونه از 12800 نفر به میزان 0/7 کل جامعه آماری با 30 نفر در هر گروه انتخاب گردید. نمونه گیری در این پژوهش به روش دلفی "Delphi-Method" به طور غیر تصادفی صورت گرفت که تعداد 73 برگه معادل 81 درصد پرسشنامه ها جمع آوری.

سپس با تلخیص و تبدیل آنها به کمیتهای عددی با استفاده نرم افزار آماری SPSS و جداولی که در بردارنده تعداد فراوانی و درصد پاسخها است به تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته شد. بدین ترتیب که، اظهار نظر پرسش شوندگان ابتدا با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی و درصد فراوانی تراکمی) مورد مقایسه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته، آنگاه به منظور بررسی رابطه سستماتیک بین متغیرها از روشهای آمار استنباطی کای اسکوئر² و احتمال معنی داری P-Value (مقدار احتمالی است که میزان سازگاری داده‌های نمونه را با نتیجه H_0 اندازه می‌گیرد.) استفاده شده است. روایی محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از مبانی نظری موضوع و همچنین نظر خواهی از همکاران متخصص تامین شده است. پایایی ابزار تحقیق (همبستگی درونی گزینه‌ها) با روش آلفای کرانباخ به قرار ذیل مورد سنجش قرار گرفته است. پاسخ یک گروه شش نفری به پرسشنامه محقق ساخته 10 سئوالی با مقیاس لیکرت و در طیف 3 درجه‌ای (از 1 تا 3) نمره گذاری می‌شود ضریب اعتبار یا همسانی درونی آزمون مذکور $a=0/96$ است.

یافته‌ها:

لازم به ذکر است که پژوهشگر به منظور جلوگیری از تطویل به طرح نمونه‌ای از جداول مربوط به آزمون فرضیه‌ها و آزمون احتمال معنی‌داری اقدام و در باقی موارد فقط به ذکر نتایج آزمون‌ها می‌پردازد. فرضیه اول: بی‌ثباتی مدیریت در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85_1375) موثر است.

جدول شماره 14 : آزمون تاثیر ارتباط بین بی‌ثباتی مدیریت با

برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور

O	E	$O-E$	$(O-E)^2$	$\frac{(O-E)^2}{E}$
53	24/3	28/7	823/69	33/89

13	24/3	-11/3	127/69	5/25
7	24/3	-17/3	299/29	12/32
73 جمع	73	0		51/46

Cells (0%) have expected frequencies less than 50 the minimum expected all frequency is 24/3 .

$$\chi^2 = \frac{(O - E)^2}{E} = 51/46$$

$$df = k - 1 = 3 - 1 = 2$$

محاسبات آماری جدول فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده 46/51 درصد بیشتر از χ^2 مبین جدول یعنی 9/210 درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1٪ رد کرد. به این ترتیب؛ بین بی‌ثباتی مدیریت با چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1375-1385) رابطه معنبری وجود دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱-۱۴: آزمون احتمال معنی داری بی ثباتی مدیریت

چالش	بی ثباتی مدیریت
<i>chi - square^e</i>	51/46
<i>df</i>	2
<i>Asymp.sig.</i>	0/00

چون $Sig < 5\%$ می‌باشد. فرض بی‌اثر بودن بی‌ثباتی مدیریت رد می‌شود. در نتیجه، بی‌ثباتی مدیریت به عنوان چالش اثرگذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه دوم: کمبود متخصص برنامه ریزی آموزشی در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده $47/27$ درصد بیشتر از ² مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین کمبود متخصصین برنامه ریزی آموزشی با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می‌باشد. فرض بی‌اثر بودن کمبود متخصصین برنامه ریزی آموزشی رد می‌شود. در نتیجه، کمبود متخصصین برنامه ریزی آموزشی به عنوان چالش اثرگذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه سوم: افزایش تقاضای اجتماعی آموزش در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده $20/11$ درصد بیشتر از ² مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین افزایش تقاضای اجتماعی آموزش با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می باشد. فرض بی اثر بودن کمبود متخصصین برنامه ریزی آموزشی رد می شود. در نتیجه، افزایش تقاضای اجتماعی آموزش به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه چهارم: ناهماهنگی های اداری و اجرایی در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است. محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می دهد که مجذور خی مشاهده شده $88/77$ درصد بیشتر از 2 مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین ناهماهنگی های اداری و اجرایی با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می باشد. فرض بی اثر بودن ناهماهنگی های اداری و اجرایی رد می شود. در نتیجه، ناهماهنگی های اداری و اجرایی به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است. فرضیه پنجم: سیاست گذاری های متمرکز دولت در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می دهد که مجذور خی مشاهده شده $54/85$ درصد بیشتر از 2 مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین سیاست گذاری های متمرکز دولت با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می باشد. فرض بی اثر بودن سیاست گذاری های متمرکز دولت رد می شود. در نتیجه، سیاست گذاری های متمرکز دولت به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه ششم: عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است. محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده $9/24$ درصد بیشتر از 2 مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معنبری وجود دارد. چون $5\% < \text{Sig}$ می‌باشد. فرض بی اثر بودن عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف رد می‌شود. در نتیجه، عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه هفتم: عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده $38/21$ درصد بیشتر از 2 مبین جدول یعنی $9/210$ درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1% رد کرد. به این ترتیب؛ بین عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معنبری وجود دارد.

چون $5\% < \text{Sig}$ می‌باشد. فرض بی اثر بودن عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز رد می‌شود. در نتیجه، عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه هشتم: زمانبندی نامناسب برنامه‌ها در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده 40/69 درصد بیشتر از ² مبین جدول یعنی 9/210 درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1٪ رد کرد. به این ترتیب؛ بین زمانبندی نامناسب برنامه‌ها با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می‌باشد. فرض بی‌اثر بودن زمانبندی نامناسب برنامه‌ها ریزان به اطلاعات مورد نیاز رد می‌شود. در نتیجه، زمانبندی نامناسب برنامه‌ها به اطلاعات مورد نیاز به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه نهم: بودجه بندی نامناسب در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده 88/09 درصد بیشتر از ² مبین جدول یعنی 9/210 درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1٪ رد کرد. به این ترتیب؛ بین بودجه بندی نامناسب برنامه‌ها با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

چون $Sig < 5\%$ می‌باشد. فرض بی‌اثر بودن بودجه‌بندی نامناسب برنامه‌ها رد می‌شود. در نتیجه، بودجه بندی نامناسب برنامه‌ها به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

فرضیه دهم: فضا و امکانات نامناسب آموزشی در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) موثر است.

محاسبات آماری آزمون فرضیه فوق نشان می‌دهد که مجذور خی مشاهده شده 62/08 درصد بیشتر از ² مبین جدول یعنی 9/210 درصد است. بنابراین؛ می‌توان فرض صفر را در سطح اطمینان 1٪ رد کرد. به این ترتیب؛ بین فضا و امکانات نامناسب آموزشی با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (1385-1375) رابطه معتبری وجود دارد.

شناسایی چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش... .

چون $Sig < 5\%$ می باشد. فرض بی اثر بودن فضا و امکانات نامناسب آموزشی رد می شود. در نتیجه، فضا و امکانات نامناسب آموزشی به عنوان چالش اثر گذار در برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار گرفته است.

بحث و نتیجه گیری :

با توجه به اطلاعات گرد آوری شده از تحلیل داده ها، نتایج حاصله به قرار ذیل ارائه می گردد :

با توجه به تعداد نمونه های زن 28 نفر نسبت به نمونه های مرد 45 نفر و اظهار نظر نابرابر زنان با مردان در مورد عوامل سیاست‌گذاری‌های متمرکز دولت و فضا و امکانات نامناسب آموزشی که به عنوان چالش برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار نداده‌اند. (مآخذ: جدول شماره 1 - 1) احتمالاً بتوان علت این عدم اظهار نظرهای زنان در مقایسه با مردان را در درک ناصحیح مفهوم سیاست‌گذاری‌های متمرکز دولت و داشتن معیارهای متفاوت فضا و امکانات آموزشی در نظر گرفت. همچنین عدم برابری فرصت های تحصیلی زنان (رفعتی، 1381) و دشواری دسترسی به زنان شاغل در سطوح عالی تصمیم‌گیری های اداری را می توان به عنوان دلیل اصلی تفاضل تعداد آزمودنی‌های زن نسبت به مرد محسوب نمود. (که علیرغم اثبات شایستگی‌های زنان بویژه در عرصه فعالیت های علمی - فرهنگی شاید هنوز مقبولیت عملی عام نیافته است).

در خصوص نسبت سطوح تحصیلی آزمودنی ها، 47/9 درصد فوق دیپلم و لیسانس - 52/1 درصد فوق لیسانس و بالاتر ضمن تاکید در اهمیت اظهار نظرهای علمی آنان نکته قابل تامل این است که از نظر گروه اول عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف به عنوان چالش برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تأیید قرار نگرفته است. (مآخذ: جدول شماره 1 - 2) از اینرو؛ به نظر می‌آید این گروه شرایط ارزشیابی موجود را مطلوب تلقی می‌نمایند. چرا

که در غیر این صورت پذیرش ضرورت چالش برانگیز ارزشیابی بیش از پیش اهمیت جدیت و تلاش مضاعف آنان ضروری تر می‌نماید. نتایج مطالعات قریب (1381) در بعد کاهش کیفیت آموزش و ضرورت اصلاح ساختاری نظام آموزش عالی موید این موضوع است.

توزیع فراوانی پست سازمانی آزمودنی ها با 60/3 درصد آموزشی، 19/2 درصد اداری و 20/55 درصد اداری - آموزشی با تاکید بر مخالفت آشکار آزمودنی های بخش اداری به گزینه های بی ثباتی مدیریت - ناهماهنگی های اداری و اجرایی - عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف و زمانبندی نامناسب برنامه ها که به عنوان چالش برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه مورد تائید قرار نداده اند. (ماخذ: جدول شماره 1- 3) بر این اساس علت آن را می توان در بی اطلاعی یا نوعی مقاومت در برابر پذیرش حقیقت و یا عدم اعتراف به پذیرش نقص که موجب تلاش بیشتر در جهت بهبودی می‌گردد، دانست. نتیجه مطالعات سهمی (1381) مراجع متعدد تصمیم گیری و نتایج مطالعات نفیسی (1380) در باب عدم دخالت معلمان و دست اندرکاران در تدوین هدف ها و .. مویدی بر موضوع است.

آزمودنی ها به میزان تاثیر بی ثباتی مدیریت در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 72/6 درصد موافق - 17/8 درصد بدون نظر و 9/6 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ بی ثباتی مدیریت با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85 - 1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 14 و 1 - 14) از اینرو؛ بی ثباتی مدیریت را می‌توان ناشی از عدم مطالعات استراتژیک و تشتت آراء بویژه سیاسی تصمیم گیر جامعه در تعیین مدیران لایق دانست. نتیجه مطالعات سهمی (1381) عدم وحدت نظر در تصمیمات را نوعاً علت و معلول تغییرات زود به زود مدیران می‌داند.

آزمودنی ها به میزان تاثیر کمبود متخصص برنامه ریزی آموزشی در به چالش در آوردن برنامه ریزی آموزش متوسطه با نسبت های 71/2 درصد

موافق - 31/7 درصد بدون نظر و 15/1 پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ کمبود متخصص برنامه‌ریزی آموزشی با چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد.

(ماخذ: جداول شماره 15 و 1-15) لذا؛ کمبود متخصص برنامه ریزی آموزشی را می‌توان ناشی از ضعف کیفی تحصیل، ناامنی‌های اجتماعی و اقتصادی به عنوان یکی از دلایل اصلی فرار نخبگان علمی جامعه (قریب، 1381) و وابستگی علمی به خارج از کشور دانست. نتایج مطالعات رحمانی (1382) و نفیسی (1380) مویدی بر موضوع است.

آزمودنی‌ها به میزان تاثیر افزایش تقاضای اجتماعی آموزش در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 56/2 درصد موافق - 13/7 درصد بدون نظر و 30/1 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ افزایش تقاضای اجتماعی آموزش با چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 16 و 1-16) از اینرو؛ ضمن توجه به ضریب 30/1 درصدی مخالفین که می‌تواند ناشی از عدم فهم کامل گزینه افزایش تقاضای اجتماعی آموزش باشد. در قریب به اتفاق موارد پاسخ های موافق، می‌توان ضعف کارشناسان و روش های برنامه ریزی در پاسخ گویی صرف به تقاضای اجتماعی آموزش (نفیسی، 1381) و همچنین جوانی جمعیت کشور و مصرفی تلقی کردن نظام آموزش و پرورش را عامل اصلی دانست. نتایج مطالعات حاجی آقالو (1381) مویدی بر موضوع است.

آزمودنی‌ها به میزان تاثیر ناهماهنگی های اداری و اجرایی در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 84/9 درصد موافق - 9/6 درصد بدون نظر و 5/5 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ ناهماهنگی های اداری و اجرایی با چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 17 و 1-17) از اینرو؛ ضمن توجه به ضریب قابل توجه موافقین به دلایلی چند نظیر

دیوانسالاری اداری و تشکیلات اجرایی گسترده (صارمی، 1376) روش های اداری ناکارآمد (سهمی، 1381) و فقدان نهاد هماهنگ کننده تمام مولفه های برنامه ریزی (باستانی، 1381) که بی ارتباط با تفکرات نظام مند و حمایت جدی مدیریت عالی نمی باشد، می توان اشاره نمود.

آزمودنی ها به میزان تاثیر سیاستگذاری های متمرکز دولت در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 74 درصد موافق - 16/4 درصد بدون نظر و 9/6 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ سیاستگذاری های متمرکز دولت با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 18 و 1-18) از این رو؛ شاید بتوان علت تمرکز گرایی دولت را در نگرش منفی دولت مردان به امر تفویض اختیار و یا فقدان متخصصین قابل اعتماد را در ساختار فرهنگی - سیاسی حاکم بر جامعه جستجو نمود. نتایج مطالعات سهمی (1381) و نفیسی (1380) مویدی بر موضوع است.

آزمودنی ها به میزان تاثیر عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 46/6 درصد موافق - 17/8 درصد بدون نظر و 35/6 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ عدم ارزشیابی مستمر علمی اهداف با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 19 و 1-19) لذا؛ با توجه به میزان نظر مخالفین تاثیر این عامل، می توان درجه چالش را بودن آن را در میان کل گزینه ها پایین ترین گزینه انتخابی دانست که مورد تائید قرار گرفته است. تحلیل نظری فوق را می توان ناشی از عدم پذیرش اهمیت امر ارزشیابی در پیشبرد اهداف و فقدان سیستم ارزشیابی تخصصی پاسخگو (رضایت بخش) محسوب کرد.

آزمودنی ها به میزان تاثیر عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت های 61/6 درصد موافق - 35/6 درصد بدون نظر و 2/7 درصد پاسخ مخالف

داده‌اند. به این ترتیب؛ عدم دسترسی برنامه ریزان به اطلاعات مورد نیاز با چالش‌های برنامه‌ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 20 و 20-1) با نگاهی به اهمیت امر برنامه‌ریزی بر پایه اطلاعات واقعی از آنجائیکه نظام آماری جامعه از قوت خاص اداری در دسترسی آسان به اطلاعات واقعی برخوردار نیست. لذا؛ می‌توان ضمن تاکید مجدد در ضعف فنی - تخصصی برنامه ریزان و اصلاحات ساختاری نظام اطلاع رسان آموزش و پرورش (نفیسی، 1380) به عدم ارتباط عمیق برنامه‌ریزی منابع انسانی با برنامه‌ریزی استراتژیک اشاره نمود. نتایج مطالعات سهمی (1381) مویدی بر موضوع است.

آزمودنی‌ها به میزان تاثیر زمانبندی نامناسب برنامه‌ها در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت‌های 68/5 درصد موافق - 15/1 درصد بدون نظر و 16/4 درصد پاسخ مخالف داده‌اند. به این ترتیب؛ زمانبندی نامناسب برنامه‌ها با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 21 و 21-1) از آنجائیکه مهمترین فاکتور برنامه ریزی یعنی زمان موضوعی مدیریتی است که مستلزم تفکر جمعی است. می‌بایست؛ ضمن توجه به عقب افتادگی‌های بسیار برنامه‌ها در عمل به عدم دخالت مستقیم و حتی غیر مستقیم دست اندرکاران آموزشی - اجرایی در تعیین اهداف، روش‌ها و .. به ناشناخته بودن قابلیت‌های زمانی موجود و محتمل (سهمی، 1381 و یار محمدزاده 1385) به عنوان موانع اصلی زمانبندی مناسب برنامه‌ها اشاره کرد.

آزمودنی‌ها به میزان تاثیر بودجه بندی نامناسب برنامه‌ها در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه با نسبت‌های 84/9 درصد موافق - 11 درصد بدون نظر و 4/1 درصد پاسخ مخالف داده‌اند. به این ترتیب؛ بودجه بندی نامناسب برنامه‌ها با چالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور (85-1375) رابطه مثبت دارد. (ماخذ: جداول شماره 22 و 22-1) از اینرو؛ ضمن توجه به ضریب قابل توجه موافقین می‌توان به دلایلی

چند نظیر؛ افزایش و کاهش درآمدها - تورم (صارمی، 1376) کاهش سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص داخلی (حاجی آقالو، 1381) کمبود منابع پولی و ضعف مدیریت بودجه (سهمی، 1381) اشاره نمود.

آزمودنی ها به میزان تاثیر فضا و امکانات نامناسب آموزشی در به چالش در آوردن برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور با نسبت های 76/7 درصد موافق - 9/6 درصد بدون نظر و 13/7 درصد پاسخ مخالف داده اند. به این ترتیب؛ فضا و امکانات نامناسب آموزشی با چالش های برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه (85-1375) رابطه مثبت دارند. (ماخذ: جداول شماره 23 و 1-23) با توجه به نقش شرایط مطلوب در دستیابی آسان و به موقع اهداف می توان ضعف اثر گذار عامل مذکور را به دلایلی چند از جمله؛ فاصله وضع موجود تا سطح مطلوب آموزشی - ودوری از تکنولوژی آموزشی پیشرفته (مهرعلیزاده، 1380) به دلیل ضعف مدیریت های سازمانی و برنامه ریزی غیر واقعی نسبت داد.

پیشنهادهای:

با توجه به ترتیب نتایج این پژوهش در جهت بهبود برنامه ریزی نظام آموزش متوسطه کشور موارد ترتیبی ذیل توصیه می شود:

1- ارتقای ظرفیت فرهنگی و فرصت های تحصیلی زنان در کنار مردان و به کار گیری متخصصین زن شایسته مسئولیت های اداری. (باور توانمندی های زنان).

2- ارتقاء سطوح کمی و کیفی آموزش (و ادامه تحصیل فرهنگیان - دانشگاهیان) با ایجاد و تقویت اصلاحات ساختاری در سیستم مدیریت یادگیری مراکز آموزش عالی کشور.

3- ارتقاء سطح فکری - فرهنگی کارکنان به ویژه بخش اداری با فراهم سازی و تقویت زمینه های مسئولیت پذیری در اداره امور فردی - جمعی و تشریک مساعی در جهت رفع نواقص احتمالی و تحقق کامل اهداف.

4- فراهم سازی زمینه های تخصصی مدیریت مطالعات استراتژیک با پرهیز از موضع گیری های غیر علمی به ویژه در مراکز آموزشی مقدمه تثبیت مدیریت های سازمانی است.

5- فراهم سازی زمینه های امنیت اجتماعی - اقتصادی در جذب نخبگان به منظور قطع وابستگی علمی به خارج از کشور.

6- بار آوری متدهای برنامه ریزی پاسخگو در جهت تامین و تربیت نیروی انسانی پر بازده مورد نیاز می تواند از صرف حفظ نظام آموزشی در وضعیت موجود کاسته و با پوشش جمعیت جوان کشور از مصرفی بودن به سمت مولد بودن سمت و سو داده شود. همچنین ایجاد و تقویت تنوع آموزش های گوناگون در تمامی سطوح سنی از دیگر راهکارهای عملی تعدیل برنامه ریزی بر اساس تقاضای اجتماعی آموزش است.

7- تعدیل فرهنگ اداری از طریق احیای هویت صنفی کارکنان، مسئولیت پذیری و حذف روش های ناکار آمد اجرایی از طریق بسیج هسته های هماهنگ کننده مولفه های برنامه ریزی های اداری - آموزشی.

8- تبیین و تحکیم نگرش مردم سالاری با ایجاد فضای امن اجتماعی و تقویت باور اداره جمعی امور، زمینه کشف و بهره گیری از نخبگان به ویژه در مناطق را فراهم می سازد.

9- از طریق تعیین و تصحیح واقعی اهداف و با نظارت مستقل و مستمر کمیته های ارزشیابی به ویژه در سطح مناطق آموزشی، هر گونه انحراف و سستی در مسیر رفع نیازها را می توان به موقع شناسایی و رفع و رجوع کرد.

10- با نگرشی سیستمی می توان به ایجاد پایگاه های موثق فرهنگی - اطلاعاتی اقدام نمود تا از این رهگذر برنامه ریزی های استراتژیک پایدار بر عمق برنامه ریزی منابع انسانی متخصص بیفزاید.

11- زمانبندی اهداف خرد و کلان در سازمان آموزش و پرورش می بایست در ارتباط با عوامل اجرایی و واقعیات جامعه آموزش داده شود. تا طبق زمان پیش بینی شده آغاز و به پایان برسد.

12- تخصیص و توزیع به صرفه و منطقی بودجه در سازمانها به تناسب نیازهای واقعی و اهداف کیفی تر امکان بهره وری بیشتر از آموزش و پرورش را فراهم می آورد.

13- ایجاد ارتباط علمی میان بخشهای مدیریتی - برنامه ریزی با عوامل اجرا در محیطهای آموزشی امکان شناسایی دقیقتر فرصتها و محدودیتهای موجود و ممکن آموزشی را با بهره گیری از تکنولوژی روز جامعه جهانی فراهم می سازد.

13- ایجاد ارتباط منطقی میان بخش های مدیریت و اجراء امکان تحقق واقعی اهداف را میسر می سازند برخورداری از تکنولوژی آموزشی روز جهان به تناسب ضروریات محتویای دروس زیر سازی فضا و امکانات مناسب آموزشی است.



کتابنامه :

- آقازاده، محرم (1377) " راهنمائی عملی برنامه ریزی درسی " تهران، نشر نو پردازان - پیوند.
- آیت اللهی، علیرضا (1380) " اصول برنامه ریزی "، تهران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
- احدیان، محمد. (1378) " تهیه و کاربرد وسایل و مواد آموزشی " دانشگاه پیام نور.
- اوکیتا، سابورو (1369) " مدیریت ژاپن - رویائی جهانی "، ترجمه ؛ محمد علی طوسی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- باستانی، هاله " نظام آموزش و نارسایی های برنامه ریزی "، نشریه همشهری 1380/ 1/17
- بال، ساموئل (1373) " انگیزش در آموزش و پرورش "، ترجمه ؛ سید علی اصغر مسدد، نشر دانشگاه شیراز.
- پروند، محمد حسن (1369) " مقدمات برنامه ریزی آموزشی و درسی "، تهران، نشر صحیفه.
- ترابی، علی. (1380) " آموزش و پرورش و اصلاحات " تهران؛ انتشارات زهد.
- حاجی آقالو عباس (81) " کانون بحران تعلیم و تربیت کشور برنامه ریزی " نشریه فرهنگ و پژوهش 104.
- حلاجیان، ابراهیم " برنامه ریزی آموزشی و استراتژیک، تهران، دفتر همکاریهای علمی بین المللی آموزش و پرورش.
- دبیرخانه شورای تغییر بنیادی نظام و آموزش و پرورش (تیر ماه 1369) طرح انتقال به آموزش متوسطه مطلوب.
- رفعتی، سعیده " چالش و چشم انداز آینده آموزش عالی " نشریه همبستگی 1381/7/11.

- رحمانی، موسی الرضا (1382) " چالش فراروی آموزش و پرورش " نشریه فرهنگ و پژوهش شماره 125.
- روسکو، گوردون (1376) " مبانی فراروی آموزش و پرورش " ترجمه ؛ سعید بهشتی، تهران، نشر آرایه.
- سروش، عبد الحمید (1372) " مدیریت زمان " تهران، نشر فجر اسلام.
- سهمی، جواد (1381) " بودجه ریزی در ایران، گامی نو در بودجه ایران " نشریه کتاب ماه (علوم اجتماعی 67-68).
- سینائی، نیره (1380) " راهنمائی یادگیری زبان انگلیسی در برنامه ریزی آموزشی و درسی " ترجمه ؛ ابوالفضل ارجمند، تهران نشر طاوس.
- شرترز، بروس (1378) " اصول راهنمائی " ترجمه ؛ علی شریعتمداری، تهران، جهاد دانشگاهی.
- شریعتمداری، علی (1382) " جامعه و تعلیم و تربیت "، تهران، امیر کبیر.
- صارمی، امین " چالش های اساسی برنامه ریزی در ایران " نشریه کار و کارگر 1376/6/28.
- عباسپور، عباس (1381) " تفکر نظام مند در برنامه ریزی منابع انسانی " نشریه تعلیم و تربیت 64.
- علاقه بند، علی (1373) " مقدمات مدیریت آموزشی "، تهران، انتشارات بعثت.
- عمادزاده، مصطفی (1378) " مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش " تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- فرنچ، درک (1371) " فرهنگ مدیریت " ترجمه ؛ محمد رضا صانثبی، تهران مرکز آموزش مدیریت دولتی
- فیوضات، یحیی (1373) " مبانی برنامه ریزی آموزشی "، تهران، انتشارات پناه افزاه.
- قریب، فرامرز (1381) " سیستم پرورش و آموزش اصلاحات، برنامه ریزی و استقلال "، نشریه پیام مدیران.

شناسایی پالش‌های برنامه ریزی نظام آموزش... .

- کارنوی، مارتین (1367) " بن بست های اصلاحات آموزشی "، ترجمه ؛ محمد حسن امیر تیموری، تهران، نشر روز.

- کومبز، فیلیپ (1369) " برنامه ریزی آموزشی چیست ؟ " ترجمه ؛ محمد برهان منش، انتشارات دانشگاه تهران.

- گلابی، سیاوش (1370) " پژوهشی در برنامه ریزی آموزشی "، تهران، انتشارات فردوسی.

- لترنر، سی. جی و دیگران (1371) " برنامه ریزی و مدیریت "، ترجمه ؛ جمشید جهرمی، تهران، انتشارات اطلاعات.

- مجد فر، مرتضی (1371) " سلسله مباحثی در تکنولوژی آموزشی "، تهران، انتشارات انیس.

- محسن پور، بهرام (1379) " مبانی برنامه ریزی آموزشی "، تهران، انتشارات سمت.

- مشایخ، فریده (1381) " دیدگاههای نو در برنامه ریزی آموزشی "، تهران، انتشارات سمت.

- معین، محمد (1370) " فرهنگ فارسی "، تهران، امیر کبیر.

- معینی، صغری (1370) " فرهنگ واژه ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان "، تهران، وزارت کشاورزی.

- میانجی، ابراهیم (1383) " مفاهیم مقدماتی برنامه ریزی آموزشی "، گرگان، انتشارات مختومقلی فراغی.

- موسی پور، نعمت اله. (1385) " مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه " مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.

- موریتا، آکیو (1379) " ساخت ژاپن مدیریت و موفقیت "، ترجمه ؛ یوسف نراقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- مهر علیزاده، یدالله (1380) " جهانی شدن و پیامدهای آن بر برنامه ریزی آموزشی در دانشگاه ایران " نشریه شریف (فناوری اطلاعات)

